

فسادزایی ذیل نهادهای ناظر

لا به نکته خوبی اشاره کردید. اخیرا سامانه‌ای برای اعلام دارایی مسئولان راه‌اندازی شده که البته اعلام این دارایی در سامانه، محرمانه باقی خواهد ماند و انتشار عمومی آن، جرم شناخته می‌شود. این تضاد نشان می‌دهد که الکترونیکی‌کردن بدون شفافیت معنادار نیست؟

این امر نشان می‌دهد که بخشی از قوانین فسادزاد هستند. وقتی کسی می‌پذیرد در یک سمت دولتی با عمومی قرار گیرد، باید بپذیرد و موظف است که دارایی‌های خود را اظهار کند و در دید عمومی قرار دهد. باید شفافیت را تسهیل کنیم نه اینکه با برخی قوانین، آن را محدود کرده و مانع‌تراشی کنیم. سخت است، زیرا ممکن است یک مدیر دولتی نپذیرد که در پست دولتی قرار بگیرد. اما در موقعیت کنونی مضار حضور یک مدیر غیرشفاف، بسیار بیش از منافع آن است.

لا به نظر شما چه عوامل سیاسی، اقتصادی، اداری یا فرهنگی و اجتماعی دیگری در کشور ما موجب گسترش فساد شده است؟

درمجموع ساختار کلی سیستم در ایران در بسیاری از مواقع شفاف نیست که این موضوع به سایر بخش‌های حاکمیتی هم می‌تواند تسری پیدا کند. در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی هم به‌دنبال شفافیت نیستیم. نهایتا جامعه را تشویق به افشاکاری می‌کنیم. افشاکاری با شفافیت فرق می‌کند. افشاکاری به معنای آن است که فرد به یک‌سری اطلاعات خاص دسترسی داشته باشد که تا اینجا این فرد، یک فرد معمولی نخواهد بود که به اطلاعات محرمانه دست پیدا می‌کند، زیرا می‌تواند با اطلاعاتی که در دست دارد، در مورد فرد یا دستکاهی افشاکاری کند اما ملزم به آن است که به اطلاعات دسترسی داشته باشد که از طریق آن می‌تواند با اهداف گوناگونی حتی با انگیزه سیاسی افشاکاری داشته باشد. دسترسی عموم به اطلاعات، به معنای فرصت افشاکاری برای همه است. اما در ایران به بهانه‌های مختلف ازجمله سوءاستفاده دشمنان و ... از دسترسی همگان به اطلاعات جلوگیری می‌شود. این دست اقدامات به معنای تشویق افراد به فساد بیشتر است.

لا راهکارهای اصلی مبارزه با فساد چیست؟
واقعیت آن است که هر چه اقتصاد دولتی‌تر باشد، فساد هم بیشتر خواهد بود. وقتی اقتصاد خصوصی باشد و دخالت دولت در آن به حداقل برسد و فقط یک ناظر و تسهیلگر برای انجام فعالیت‌های اقتصادی باشد، پیشگیری خصوصی به خاطر منافع خود، نظارت بهتری بر عملکرد خود خواهد داشت و از زمینه‌های فساد جلوگیری خواهد کرد. تغییر روند کشور به این سمت، قطعاً زمان‌بر است. نکته دوم، شفافیت‌های هرچه فعالیت‌های نهادهای و سازمان‌های دولتی و خصوصی، به‌ویژه نهادهای عمومی که بودجه از دولت گرفته و خدمات به دولت ارائه می‌دهند، شفاف‌تر باشد، از فساد جلوگیری خواهد کرد. سومین اقدام، بازنگری در همه فرایندهاست. فرایندها در ایران کهنه و فرسوده است. با توجه به رشد تکنولوژی، فرایندها در ایران نیازمند بازنگری دوره‌ای و جدی در دوره‌های زمانی کوتاه پنج‌ساله است. وقتی فرایندها بازنگری شود، خودبه‌خود امکان سوءاستفاده را کاهش می‌دهد. چهارم، کم‌کردن پیچیدگی قوانین و جمعیت آنها و همچنین صریح‌کردن آن به‌منظور تفسیرناپذیری آن نیز می‌تواند در این راستا، کمک‌کننده باشد. در وهله آخر، برخورد با متخلفان است. دستگاه قضائی و دستگاه بازرسی سالم با برخورد با متخلفان، هزینه‌های فساد را افزایش می‌دهد. اگر این دستگاه‌ها سالم نباشند، هر اقدامی برای مبارزه با فساد به جایی نخواهد رسید. از سویی باید فرایندی ایجاد شود که روی عملکرد دستگاه قضا نیز نظارت صورت بگیرد؛ احیای دیوان‌های عالی کشور که برگرفته از نهادهای حقوقی و نه انتصاب‌های سلیقه‌ای و فردی باشند، با هدف نظارت بر دستگاه قضا، می‌تواند راهکاری درست در جهت مبارزه با فساد و پیشه‌کن‌کردن آن باشد. همچنین تجربه‌های سایر کشورهایی که در زمینه مبارزه با فساد موفق بودند هم می‌تواند بسیار به ما کمک کند.

لا رئیس فراکسیون امید به‌تازگی از عملکرد این فراکسیون در جمع نخبگان سیاسی دفاع کرد. درحالی‌که نسبت به عملکرد جریان اصلاحات در مجلس انتقادهایی وجود دارد، ازاین‌رو کارنامه جریان اصلاحات را در مجلس قابل دفاع می‌دانید؟

به‌طورکل باید عملکرد اصلاح‌طلبان را در مجلس با توجه به محدودیت‌هایش در نظر گرفت. بسیاری از قصاوت‌هایی که نسبت به عملکرد امید صورت می‌گیرد، بدون توجه به این پیش‌فرض مهم است و این پیش‌فرض همان شرایط و محدودیت‌هاست؛ برای نمونه باید در نظر گرفت که در انتخابات مجلس دهم این جریان با چه شرایطی مواجه بود و چه اهدافی از تشکیل فراکسیون امید دنبال می‌شد. یکی از مشکلات در مجلس نهم وجود تندروها بود، جریان تندرو در آن مجلس هر روز دست به غوغاسازی می‌زد و مدام مشکلاتی برای کشور ایجاد می‌کرد؛ به‌همین‌دلیل جریان اصلاحات همه تلاش خود را به کار برد تا مجلسی تشکیل دهد که به دور از تندروی و غوغاسالاری باشد. درعین‌حال اصلاح‌طلبان با بی‌سابقه‌ترین ردصلاحیت‌هایی مواجه بودند که تا آن زمان اتفاق افتاده بود. در واقع بعد از اعلام نتیجه بررسی صلاحیت‌ها، حداکثر ۳۰ نفر از میان جریان اصلاحات آن هم در سراسر کشور تأیید صلاحیت شده بودند. در چنین شرایطی شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاحات اعلام کرد نخست به‌دلیل ردصلاحیت‌ها و سپس برای تشکیل مجلسی متعادل و به دور از صدای تندروی، ناگزیر باید دست به ائتلاف با اعتدال‌گرایان زد. اکنون در مجلس دهم، تندروها در اقلیت هستند، ازاین‌رو با توجه به چنین شرایطی باید اذعان کرد که فراکسیون امید نقش مثبت و همچنین عملکرد صغیفی هم داشت که در بررسی و قضاوت درباره آن نباید از چارچوب انصاف خارج شد. به‌حاشیه‌راندن تندروها بزرگ‌ترین اقدامی بود که اصلاح‌طلبی انجام داد. درعین‌حال برخی طرح‌ها، لوایح و اقدامات نظارتی که در مجلس مطرح شده، به شکل مثبت و سازنده در مجلس اثرگذار بوده و فراکسیون امید در آن نقش سازنده داشته است، اما فراکسیون امید می‌توانست بسیار بهتر از این عمل کند. اعضای این فراکسیون باید با تلاش و انگیزه بیشتر و با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات داخل مجلس عمل می‌کردند؛ اما در برخی از موارد مربوط به مسائل ملی و اساسی از خود ضعف نشان دادند؛ به‌عنوان نمونه در مسئله شفاف‌سازی و مبارزه گسترده و مستمر با فساد تلاش‌هایشان کافی نبوده است.

مسئله اینجااست که اصلاح‌طلبان ناگزیر بودند به‌خاطر منافع ملی و شرایط حاکم در مجلس نهم و با توجه به ردصلاحیت‌های گسترده، از نامزدهایی حمایت کنند که تجربه کمتری دارند و آن‌طورکه باید به وظایف اساسی و ملی یک نماینده مجلس آشنا نیستند. به‌همین‌دلیل آن‌طورکه باید نتوانستند از عهده وظایف خود برآیند.

کنند که تجربه کمتری دارند و آن‌طورکه باید به وظایف اساسی و ملی یک نماینده مجلس آشنا نیستند. به‌همین‌دلیل آن‌طورکه باید نتوانستند از عهده وظایف خود برآیند.

لا معتقدید فراکسیون امید می‌توانست عملکرد بسیار بهتری در مجلس داشته باشد؛ اما این طور نبود، این فراکسیون باید روی چه مسائلی تمرکز می‌کرد که نکرد؟

در شرایط عادی افراد به‌صورت عادی عمل می‌کنند؛ اما وقتی یک حادثه غیرمتربقه مثل سیل و زلزله رخ می‌دهد، در این شرایط دیگر افراد رفتار عادی ندارند، بلکه با همه قوا نیروهای خود را بسیج می‌کنند تا آسیب‌های وارده را به نحوی جبران کنند. شرایط کشور هم در وضعیتی است که با چالش‌های متعددی مواجه است که محصول عملکرد تندروها، سیاست‌های نادرست، اشتباه‌های مدیریتی و فشارهای گسترده بین‌المللی است. در چنین شرایطی کشور در یک وضعیت اضطراری قرار دارد؛ بنابراین هر نماینده در فراکسیونی در وضعیت اضطراری باید با همه قوا و ظرفیت خود وارد شود و با بررسی نقاط ضعف، آن را به نقطه قوت تبدیل کند و درصد چاره‌اندیشی برای رفع

مشکلات باشد. نماینده‌ها از جمله در فراکسیون امید عملکردی متناسب با شرایط اضطرار کشور نداشتند.

لا نقاط قوت و ضعف فراکسیون امید در مجلس چه بود و با توجه به این وضعیت اصلاح‌طلبان تا چه‌اندازه شانس جلب نظر دوباره مردم در انتخابات پیش‌رو را دارند؟

جلب نظر مردم تنها محدود به عملکرد اصلاح‌طلبان در مجلس نمی‌شود، بلکه عمده‌ا به شرایط حاکم در سپهر سیاسی کشور بستگی دارد. انتخاب و حضور مردم در انتخابات به عوامل متعددی بازمی‌گردد که مجلس بخش کوچکی از آن محسوب می‌شود. اگر امروز مردم دچار تردید و کم‌اعتمادی شده‌اند معلول عوامل متعدد خارجی و داخلی است. زیرا از یک سو، جامعه یا فشارها و تحریم‌های ناجوانمردانه آمریکا روبه‌روست و از سویی نیز برخی از سیاست‌هایی که در سال‌های اخیر توسط مسئولان اعمال شده، ناکارآمد و نادرست بوده است. تندروها هم در قبال اقدامات مخربشان نه‌تنها پاسخگو نیستند، بلکه برعکس از یک حاشیه امن برخوردارند. این میدان امن برای تندروها سبب شده که دست به هر اقدام ناشایستی بزنند، به همین دلیل هم امروز کشور با یک چالش مهم؛ یعنی انفعال و سرخوردگی جامعه و کاهش سرمایه اجتماعی و تردید نسبت به اثربخشی رای خود و در نتیجه با احتمال کاهش مشارکت عمومی در انتخابات اسفندماه روبه‌روست. در نتیجه ممکن است شاهد یک وضعیت بانشاط در انتخابات مجلس نباشیم. امروز مردم اعتمادشان به دستگاه‌های مدیریتی کشور کم شده و به‌تبع آن سرمایه اجتماعی تزل یافته است؛ امری که نهادهای نظارتی باید به آن پاسخ دهند.

لا معتقدید که رویکرد مردم تنها محدود به عملکرد جریان اصلاحات در مجلس نمی‌شود، در این صورت دولت تا چه اندازه در ایجاد این وضعیت سهم دارد و وظیفه دولتمردان در این زمینه چیست؟
ایرادات جدای بر دولت وارد است که بارها به آن اشاره شده. البته عوامل متعددی در ایجاد این وضعیت، به‌ویژه ناسامانی‌های اقتصادی و معیشتی نقش داشته است، اما دولت هم با

سیاست

مرتضی مبلغ به شورای نگهبان در گفت‌وگو با «شرق» پیشنهاد داد

ارزیابی نظارت استصوابی



مرتضیٰ مبلغ، رئیس فراکسیون امید

هستی قاسمی: کشور در شرایط ویژه‌ای قرار دارد. در چنین وضعیتی است که انتظار می‌رود دست مدیران طراز اول در مناصب اجرایی باز باشد و قانون‌گذاران متخصص و کارآمد به مجلس راه یابند. حضورنداشتن مدیران دغدغه‌مند و قانون‌گذاران متخصص در جرعه تصمیم‌گیری منجر به انباشتی از مشکلات و در نتیجه تزل سرمایه‌های اجتماعی می‌شود و برخی سخت‌گیری‌های نظارتی نیز در این میان بی‌تأثیر نیست. همان وضعیتی که اصلاح‌طلبان را ناگزیر به تدوین لیست امید و ائتلاف با اعتدال‌گرایان در سال ۹۴ کرد. امروز پس از این همه، جریان اصلاحات در حالی یک بار دیگر باید خود را برای انتخابات مجلس شورای اسلامی بازدهم آماده کند که فراکسیون امید به وعده‌های خود آن‌طورکه باید عمل نکرد؛ به‌همین‌دلیل نیز انتقادهای بسیاری به آنها وارد است. تاجایی که این وضعیت توأم با عمل‌نگردن دولت به برخی وعده‌ها، گروهی را از هم‌اکنون برای حضور در انتخابات پیش‌رو دچار تردید کرده؛ باین‌همه رئیس فراکسیون امید معتقد است اگرچه باید برخی از انتقادها را پذیرفت؛ اما عملکرد این فراکسیون آن‌طور که باید در جامعه نشان داده نشده است. بر این اساس، درباره مسائل یادشده با «مرتضی مبلغ»، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و معاون سیاسی وزارت کشور در دولت اصلاحات، به گفت‌وگو پرداختیم.

برخی سیاست‌های نادرست خود در ایجاد چنین وضعیتی بی‌تأثیر نبوده و باید در این زمینه پاسخ‌گو باشد. به‌هرروی تنها دولت مقصر وضعیت موجود نیست، بلکه ادامه سیاست‌های ناکارآمد گذشته از یک سو و بازگشت تحریم‌ها از سوی دیگر بر تشدید مشکلات دامن زده است. اما در این میان، بدیهی است که مردم از اصلاح‌طلبان به دلیل ترغیب آنها برای رای به روحانی و حمایت از دولت دوازدهم انتقاد داشته باشند. به همین دلیل اصلاح‌طلبان باید با یادآوری شرایط به مردم علت حمایتشان از رئیس‌جمهور را حتی در شرایط موجود صادقانه در میان بگذارند. در این صورت کاملاً مشخص می‌شود که آیا این جریان در وظایف خود کوتاهی کرده یا نه. هر مقطعی نقش خود را به درستی ایفا کرده و مردم هم قضاوت خواهند کرد که این مشکلات معلول چه عواملی است.

لا با توجه به انتقادات موجود به اصلاح‌طلبان مجلس، شورای‌عالی سیاست‌گذاری این جریان باید در تدوین لیست امید چه تدبیری می‌پیشد که به ورود چهره‌های کارآمد به مجلس بینجامد؟

نمونه نظارت استصوابی یک مسئله ملی است که حل آن وظیفه شورای نگهبان است. شورای نگهبان باید روی عملکرد سال‌های گذشته خود بررسی به عمل بیاورد و ببیند نظارت استصوابی تاکنون چه نتایجی برای کشور و نظام داشته است. یکی از این نتایج حذف نیروهای کارآمد و تأثیرگذار بوده است و به تبع این پیامدهایی برای کشور داشته است. به‌همین‌دلیل امید می‌رود که شاهد اصلاح رویکردها از سوی این نهاد باشیم. به‌هرروی شورای نگهبان موظف است که در راستای مصالح ملی عمل کند تا شاهد وضعیت بهتری در سپهر سیاسی کشور باشیم.

لا حتی اگر این تقابیل بین جریان اصلاحات با جریان‌ها و دستگاه‌های مدیریتی به وجود آید، دراین‌صورت باز هم چه تضمینی برای حضور گسترده مردم در انتخابات و روی کارنایندن تندروها در مجلس آتی وجود دارد؟
در شرایط کنونی وظیفه ملی و بزرگ همه دولتمردان و دستگاه‌های حاکمیتی این است که با همه توان و نیرو وارد صحنه شوند و امید و سرزندگی را به جامعه بازگردانند. اجرای برخی از برنامه‌ها و سیاست‌های امیدبخش نیز می‌تواند در بازگرداندن سرمایه‌های اجتماعی و ترغیب مردم به رفتن پای صندوق‌های رأی مؤثر باشد. به عبارتی با یک تغییر جزئی نمی‌توان انتظار آشتی بخش‌هایی از جامعه به صندوق‌های رأی را داشت. به طور قطع تعدیل نظارت استصوابی و اجازه حضور به همه نیروهای توانمند در صحنه حتی از عوامل اثرگذار برای جلب اعتماد عمومی و حضور آنها در انتخابات خواهد بود؛ باین‌همه به‌تنبهایی کافی نیست؛ بلکه دولت باید به‌ویژه در زمینه کسب‌وکار، رونق و تولید و معیشت مردم گام‌های جدی و اساسی بردارد تا مردم اطمینان حاصل کنند که تغییرات سازنده‌ای در پیش‌روی است. باید از همه مهم‌تر در بخش سیاست خارجی، تعامل‌ها سازنده و امیدبخش باشد و شرایطی را پیدا خواهند کرد. در نهایت اصلاح‌طلبان هم با توجه به امکانات و محدودیت‌هایشان و متناسب با شرایط و نیروهای در صحنه تصمیم خواهند گرفت که چگونه عمل کنند و چه واکنشی در انتخابات اسفندماه مجلس نشان دهند.

لا مشکل جدی اصلاح‌طلبان رویکرد بخش‌هایی از جامعه به انتخابات است. این جریان باید با چه رویکرد و برنامه‌ای وارد انتخابات شود تا در حضور همه طیف‌ها، حتی مردم‌ها در انتخابات بینجامد؟
اصلاح‌طلبان اکنون در حال بررسی و مطالعه روی چگونگی حل معضلات اقتصادی، اجتماعی،

سیاسی و فرهنگی، نحوه ورود به انتخابات، رویکردها و برنامه‌ها، به‌ویژه ترغیب بخش‌های ناراضی جامعه به انتخابات هستند. امروز یکی از مسائلی که جامعه به‌شدت به آن اعتراض دارد، بروز انواع فسادها، به‌ویژه فسادهای اقتصادی است. مبارزه با فساد نیاز به سازوکارهای مختلف و قوی دارد که این خود ورود نماینده‌های مجرب، شجاع و متخصص را به مجلس ضروری می‌کند. علاوه‌براین، به حضور نماینده‌های توانمند و مقتدر در پارلمان ملی، مجلس هم به شان حقیقی خود بازخواهد گشت و شرایط مطلوبی از بُعد نظارتی و تقنینی در کشور حاکم می‌شود. اصلاح‌طلبان درصدد تدوین چنین لیستی هستند و به‌زودی نیز برنامه‌های خود را به اطلاع جامعه خواهند رساند. به‌هرروی اصلاح‌طلبان برای جلب آرای خاکستری کار بسیار دشواری در پیش دارند؛ زیرا امکان و قدرت چندانی برای اصلاح روش‌های ناکارآمد و اشتباه جاری در اختیار ندارند؛ اما باز هم همه تلاش خود را به کار می‌برند تا عوامل محل اعتماد و امید اجتماعی در جامعه کاهش یابد. درحالی‌که مسئولیت ترمیم اعتماد بخش‌های ناراضی جامعه برعهده همه است؛ زیرا خسارت حضورنداشتن گسترده مردم در انتخابات متوجه همه مجموعه‌های کشور خواهد شد. دراین‌صورت دشمنان قسم‌خورده جمهوری اسلامی هم طمع بیشتری برای تشدید فشارها به کشور خواهند کرد و تصورشان بر این‌خواد بود که سیاست‌های آنها علیه ایران نتیجه داده است. به‌همین‌دلیل همه مسئولان و احزاب باید برای ترغیب جامعه به‌ویژه اقشار خاکستری تلاش کنند. اصلاح‌طلبان هم با آگاهی‌بخشی به جامعه و طرح این مسئله که برای خشتی‌کردن فشارهای خارجی و بی‌اثرکردن عملیات تندروها و اصلاح سیاست‌های نادرست، یکی از مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌ها حضور آگاهانه در انتخابات است، از این طریق به دنبال بازیابی سرمایه اجتماعی خود هستند.

لا به‌تازگی از دیدار اصلاح‌طلبان با اعضای شورای نگهبان سخن به میان آمد. این دیدار تا چه اندازه می‌تواند تعاملی باشد بین اصلاح‌طلبان و شورای نگهبان برای تعدیل نظارت استصوابی؟

هر مذاکره‌ای در این راستا می‌تواند مفید باشد. مسئله نظارت استصوابی یک مسئله ملی است که حل آن وظیفه شورای نگهبان است. شورای نگهبان باید روی عملکرد سال‌های گذشته خود بررسی به عمل بیاورد و ببیند نظارت استصوابی تاکنون چه نتایجی برای کشور و نظام داشته است. یکی از این نتایج حذف نیروهای کارآمد و تأثیرگذار بوده است و به تبع این پیامدهایی برای کشور داشته است. به‌همین‌دلیل امید می‌رود که شاهد اصلاح رویکردها از سوی این نهاد باشیم. به‌هرروی شورای نگهبان موظف است که در راستای مصالح ملی عمل کند تا شاهد وضعیت بهتری در سپهر سیاسی کشور باشیم.

لا حتی اگر این تقابیل بین جریان اصلاحات با جریان‌ها و دستگاه‌های مدیریتی به وجود آید، دراین‌صورت باز هم چه تضمینی برای حضور گسترده مردم در انتخابات و روی کارنایندن تندروها در مجلس آتی وجود دارد؟
در شرایط کنونی وظیفه ملی و بزرگ همه دولتمردان و دستگاه‌های حاکمیتی این است که با همه توان و نیرو وارد صحنه شوند و امید و سرزندگی را به جامعه بازگردانند. اجرای برخی از برنامه‌ها و سیاست‌های امیدبخش نیز می‌تواند در بازگرداندن سرمایه‌های اجتماعی و ترغیب مردم به رفتن پای صندوق‌های رأی مؤثر باشد. به عبارتی با یک تغییر جزئی نمی‌توان انتظار آشتی بخش‌هایی از جامعه به صندوق‌های رأی را داشت. به طور قطع تعدیل نظارت استصوابی و اجازه حضور به همه نیروهای توانمند در صحنه حتی از عوامل اثرگذار برای جلب اعتماد عمومی و حضور آنها در انتخابات خواهد بود؛ باین‌همه به‌تنبهایی کافی نیست؛ بلکه دولت باید به‌ویژه در زمینه کسب‌وکار، رونق و تولید و معیشت مردم گام‌های جدی و اساسی بردارد تا مردم اطمینان حاصل کنند که تغییرات سازنده‌ای در پیش‌روی است. باید از همه مهم‌تر در بخش سیاست خارجی، تعامل‌ها سازنده و امیدبخش باشد و شرایطی را پیدا خواهند کرد. در نهایت اصلاح‌طلبان هم با توجه به امکانات و محدودیت‌هایشان و متناسب با شرایط و نیروهای در صحنه تصمیم خواهند گرفت که چگونه عمل کنند و چه واکنشی در انتخابات اسفندماه مجلس نشان دهند.

لا حتی اگر این تقابیل بین جریان اصلاحات با جریان‌ها و دستگاه‌های مدیریتی به وجود آید، دراین‌صورت باز هم چه تضمینی برای حضور گسترده مردم در انتخابات و روی کارنایندن تندروها در مجلس آتی وجود دارد؟
در شرایط کنونی وظیفه ملی و بزرگ همه دولتمردان و دستگاه‌های حاکمیتی این است که با همه توان و نیرو وارد صحنه شوند و امید و سرزندگی را به جامعه بازگردانند. اجرای برخی از برنامه‌ها و سیاست‌های امیدبخش نیز می‌تواند در بازگرداندن سرمایه‌های اجتماعی و ترغیب مردم به رفتن پای صندوق‌های رأی مؤثر باشد. به عبارتی با یک تغییر جزئی نمی‌توان انتظار آشتی بخش‌هایی از جامعه به صندوق‌های رأی را داشت. به طور قطع تعدیل نظارت استصوابی و اجازه حضور به همه نیروهای توانمند در صحنه حتی از عوامل اثرگذار برای جلب اعتماد عمومی و حضور آنها در انتخابات خواهد بود؛ باین‌همه به‌تنبهایی کافی نیست؛ بلکه دولت باید به‌ویژه در زمینه کسب‌وکار، رونق و تولید و معیشت مردم گام‌های جدی و اساسی بردارد تا مردم اطمینان حاصل کنند که تغییرات سازنده‌ای در پیش‌روی است. باید از همه مهم‌تر در بخش سیاست خارجی، تعامل‌ها سازنده و امیدبخش باشد و شرایطی را پیدا خواهند کرد. در نهایت اصلاح‌طلبان هم با توجه به امکانات و محدودیت‌هایشان و متناسب با شرایط و نیروهای در صحنه تصمیم خواهند گرفت که چگونه عمل کنند و چه واکنشی در انتخابات اسفندماه مجلس نشان دهند.

لا مشکل جدی اصلاح‌طلبان رویکرد بخش‌هایی از جامعه به انتخابات است. این جریان باید با چه رویکرد و برنامه‌ای وارد انتخابات شود تا در حضور همه طیف‌ها، حتی مردم‌ها در انتخابات بینجامد؟
اصلاح‌طلبان اکنون در حال بررسی و مطالعه روی چگونگی حل معضلات اقتصادی، اجتماعی،

کیمیا

سیاسی‌بازی با مطالبات زنان تاکتیک مدیران بی‌کارنامه

● گرچه حنای اصلاح‌طلبان رنگی ندارد و افکار عمومی وعده‌ها و شعارهای اقتصادی انتخاباتی اصلاح‌طلبان و در باغ سبز نشان‌دادن آنها را حواله سر خرمن می‌دانند؛ اما سؤال اساسی آن است که آیا مطالبات «اصلی» و «درجه اول» زنان امروز ما چیزی جز مطالبات دیگر اقشار اجتماعی است؟ بهبود وضعیت «اشتغال»، «ازدواج»، «تحصیلات دانشگاهی» و «رفع تبعیض‌ها» برای زنان ما مهم‌تر است یا دوجرعه‌سواری و موتورسواری؟ مطالبات اقتصادی و ازبین‌رفتن سوءمدیریت و حل‌شدن تورم‌های چندصددردی در بخش مسکن و خودرو و برخورد با اختلاسگران و دزدان بیت‌المال، جزء مطالبات اصلی زنان ماست یا بلیت ورزشگاه آزادی؟ اشکالی ندارد؛ مدعیان اصلاحات مانند اصولگرایان و با سایر گروه‌های سیاسی و تشک‌های اجتماعی، مطالبات برحق زنان را پیگیری کنند اما لطفاً آن را به جای مطالبات اصلی جا نزنند؛ کارنامه‌سازی و بهره‌برداری سیاسی و انتخاباتی نکنند و البته پیش از آن پاسخ‌گوی افکار عمومی باشند که روزی به اصلاح‌طلبان اعتماد کردند و به گزینهِ وعده‌های توخالی آنها رأی دادند.

روایت‌بخش

تعلیق وضعیت استننا و حاکمیت قانون

روح‌اله اسلامی:.... راهکار احیای حکومت قانون، حذف همه تعلیق‌ها و وضعیت‌های استثنائی است که ایجاد شده است. اکنون تعلیق قانون براساس استننا که برآمده از فکر برنامه‌ریز است همه عرصه‌ها را گرفتار کرده است. باید شرایط بازار آزاد و نظم خودجوش مبتنی بر رقابت که ریشه در کش‌های خودآگاهانه فردی دارد، مینا قرار گیرد. هیچ بازیگر سیاست‌گذاری امکان برنامه‌ریزی متمرکز برای انسان‌ها را ندارد که اگر بر همین اساس جلو برویم به جای آنکه اراده، خلافت، رقابت و شایسته‌سالاری را شاهد باشیم به سمت رانت، سهمیه، ناکارآمدی و سرخوردگی حرکت می‌کنیم. جوامع مدنی امور انتسابی و به‌اثررسیده را مشروط و محدود و امور اکتسابی مبتنی بر فردگرایی را تقویت می‌کنند. راهکار، حذف همه سهمیه‌ها و فراهم‌کردن فرصت برابر برای همه شهروندان بر اساس امور اکتسابی در آموزش و اشتغال است..

انتقاد

ورزشگاه ومطالبه ملی زنان

استحقاق راستی:.... بعد از خودسوزی «دختر آبی» گزارشی در فضای مجازی درخصوص حضور زنان در کشورهای مختلف در ورزشگاه‌ها منتشر شد که آن نشان ایران در ردیف‌های آخری قرار داشت؛ آملی که طبعاً سبب تالم روحی هر ایرانی وطن‌پرستی را فراهم می‌کند. امروزه برابری حقوق زنان و مردان در همه عرصه‌ها و در همه کشورهای توسعه‌یافته امری جاافتاده و پذیرفته‌شده است و دیگر نمی‌توان نیمی از می‌شود از جمهوریت، مردم‌سالاری ودموکراسی سخن گفت اما به بدیههاتی از این دست بی‌توجه بود؟ تجربه حضور بانوان در برخی مسابقات والیبال، بسکتبال و... در سال‌ها نشان داده است که این حضور نه‌تنها آثار سوئی در پی نخواهد داشت، بلکه مردان را نیز نسبت به رعایت مسائل و ملاحظات اخلاقی حساس‌تر خواهد کرد و طبعاً بی‌نزاکتی‌ها، شعارها و رفتارهای ناپسند را از بین خواهد برد. چنانکه در سال‌های مسابقات والیبال و بسکتبال شاهد چنین تحولی در رفتار عمومی تماشاچیان بودایم. امیدوارم بعد از مسابقه امروز تیم ملی که با حضور تماشاچیبانی از زنان و مردان ایرانی برگزار خواهد شد، فدراسیون فوتبال ایران، رفع این محدودیت را فقط مختص بازی‌های ملی نداند و زمینه ورود زنان به ورزشگاه‌ها در بازی‌های لیگ برتر و حتی دسته اول نیز فراهم شود.

پایان

آیاغرب ایران را دربارهبمب اتمی باور کرده‌است؟!
غلامرضا صادقیان:....! آیا غرب باور کرده است که ایران به سراغ بمب نمی‌رود؟ ۲- آیا ممکن است ایران روزی تصمیم خود را درباره حرام‌بودن بمب اتم تغییر دهد؟ ۳- آیا ایران برای روزی که با بمب اتم تهدید شود، فکری کرده است؟ برای پاسخ به پرسش اول و اینکه بدانیم غرب باور دار این بار به بمب فکر نمی‌کند، هیچ چیزی رستار از تکرار اتهام اتمی غرب به ایران نیست... پرسش دوم نیز با یک فرض غلط آغاز شده است. بپوایی فقه شیعه به معنای آن نیست که در هر «دامنه» و «زمینه»ای بتوان حرام قطعی را حلال یا حلال قطعی را حرام کرد. اگر الکر ایته در شرایط ناچار مجازی می‌شود یا برخی احکام و فتاوا در زمینه‌های جدید قابلیت تجدیدنظر دارند، مسئله بمب اتم و کشتار یکباره میلیون‌ها انسان در هیچ دامنه و زمینه‌ای قابل تجدیدنظر نیست... اما اینجا پرسش سوم مطرح می‌شود که با فرض قبول دو پاسخ فوق، ایران بر روی روزی که با بمب اتم تهدید شود، چه فکری کرده است؟... پاسخ فنی آن است که جهان در مسیری که پیش‌رو دارد، هم به لحاظ تکنولوژیک و هم به لحاظ سیاسی و اجتماعی، بازدارنگی‌های قوی‌تر از بمب اتم خواهد داشت. پاسخ ایدئولوژیک هم آن است که ما آنچه را حرام تشخیص می‌دهیم، به کار نمی‌گیریم و در باورها و اعتقادات دینی خود اصل را بر مقابله‌به‌مثل با دشمن با تقلید از دشمن قرار نمی‌دهیم.